**انترناسیونال ۴۶۷**

**اصغر کریمی**

**یک گام به پیش**

**زلزله آذربایجان و شکست سیاسی رژیم**

در جریان زلزله آذربایجان، مصاف بزرگی میان جمهوری اسلامی و مردم شریف و انساندوست شکل گرفت و حکومت تودهنی بزرگی از حرکت توده ای مردم خورد. صدا و سیما مجبور به معذرتخواهی شد، خامنه ای مجبور به سفر به مناطق زلزله زده شد، تلاش حکومت و رسانه هایش برای کمرنگ کردن مساله زلزله و صدمات انسانی و مالی مردم به جائی نرسید و مهمتر اینکه سیاست اصلی حکومت برای جلوگیری از حضور مردم در کمک به همنوعانشان در آذربایجان مفتضحانه شکست خورد. مردم گام بزرگی در بدست گرفتن ابتکار و در سازماندهی خود برای کمک رسانی به همنوعانشان به پیش برداشتند و خفت و خواری زیادی به مقامات و دم و دستگاه حکومت دادند. علیرغم همه مانع تراشی های سازمانیافته و در عین حال رذیلانه حکومت، مردم انساندوست نقشی حیاتی در کمک به صدها هزار زلزله زده ایفا کردند و گوشه ای از قدرت خود را نشان دادند. حرکت توده ای مردم موجب بی آبروئی بیشتر و یک شکست سیاسی برای حکومت شد و به موازات آن دست اصلاح طلبان مرتجع که همچنان تلاش عبث میکنند که بیشرمانه نظامی را که سی و سه سال مشغول جنایت، فساد و دزدی و تحمیل شدیدترین فقر و محرومیت به اکثریت مردم بوده است، اصلاح کنند تا عمرش را طولانی تر کنند بیشتر رو شد.

مردم زیادی قربانی فقر و خانه های خشت و گلی و لاقیدی حکومت و مانع تراشی برای کمک مردمی شدند. امواج انسانی بزرگی از سراسر کشور بویژه از تبریز و سایر شهرهای دور و نزدیک آذربایجان برای کمک به زلزله زدگان به حرکت درآمد و مردم علیرغم تهدیدات و بگیر و ببندها سهم تعیین کننده ای در کمک به زلزله زدگان ایفا کردند. اینرا رسانه های مجاز وابسته به دار و دسته های مختلف حکومت اقرار کردند و یکی از رسانه ها درمورد بی اعتمادی مردم به رژیم هشدار داد و آنرا خطرناک دانست. به این معنی نه تنها تلاش رژیم برای حاشیه ای کردن و سکوت و دروغ بافی حول زلزله خنثی شد بلکه برعکس فشار مردم چنان بود که روزنامه های خودی حکومت هم کجدار و مریز فشار اعتراض مردم به رژیم را منعکس کردند. یعنی گفتمان ها را عملا مردم شکل دادند. مردمی که نه حق انتشار یک صفحه روزنامه دارند و نه رسانه های رژیم یک دقیقه از وقتشان را در مقابل آنها میگذارند. سهم رژیم در کمک به مردم سکوت، دروغ، عدم اطلاع رسانی به مردم، مانع تراشی در مقابل کمک های بیدریغ مردم، دستگیری آنها، مشتی وعده توخالی و توجیه زلزله و تلفات مردم با بی حجابی و مزخرفات دیگر بوده است. حکومت و مقاماتش بار دیگر دشمنی آشکار خود با مردم، بیرحمی و در عین حال درماندگی و بی پایه بودن در میان مردم و ناتوانی از مقابله با مردم را عیان کردند. دستگیری دهها نفر از جوانان و فعالینی که مشغول کمک رسانی بودند اوج زبونی حکومت در مقابل مردم است. اینرا باید به سکوئی برای یک جهش دیگر تبدیل کرد.

در حال حاضر جمهوری اسلامی چند اقدام را در دستور دارد. موضوع را هرچه میتواند حاشیه ای کند و موضوع را از جلو چشم مردم دور کند، جلو کمک رسانی مردم را بگیرد و سوم برخی اقدامات نمایشی را در مناطق زلزله زده انجام دهد. هرچند وضع رژیم طوری است که حتی دستش برای نمایش هم پر نیست. تک تک این تلاش ها را باید در هم شکست.

اولین مساله این است که نباید گذاشت درد و رنج مردم که هرروز ابعادش بیشتر دهان باز میکند به فراموشی سپرده شود. سیاست رژیم را باید قاطعانه به شکست کشانید. خبرنگاران مردمی باید تلاش خود را برای داغ نگهداشتن مساله دو چندان کنند. مردم منطقه سهم مهمی در این زمینه میتوانند ایفا کنند. افشای وعده های توخالی رژیم، گزارشات مستقیم از وضعیت اسفناک زلزله زده ها و مصاحبه با آنها و تشویق آنها برای تماس با رسانه هائی مانند کانال جدید که صدای آنها را منعکس میکنند، انعکاس این فعالیت ها در مدیای اجتماعی، نامه به مراجع جهانی و اقدامات مشابهی که موضوع را در سطحی فراتر از ایران زنده نگه میدارد، شکل دادن به تجمعات اعتراضی و جمع آوری تومار و نامه های افشاگرانه به مقامات و غیره از جمله کارهائی است که تلاش رژیم را خنثی میکند و وضعیت مردم را مقابل چشم مردم ایران و جهان میگذارد و رژیم را تحت فشار قرار میدهد.

دوم، مقابله با مانع تراشی های رژیم و دستگیری فعالین گروههای امداد است. کمک رسانی دانشجویان، هنرمندان و ورزشکاران، نویسندگان، پزشکان، تشکل های کارگری، نهادهای مدافع حقوق کودک، شبکه های مختلف مبارزاتی و نهادهای اجتماعی مختلف که اقدام شکوهمندی در دو هفته اخیر بوده است، باید تلاش کرد که ابعاد وسیعتری پیدا کند و طیف گسترده تری از مردم را دربر گیرد. به دلیل گستردگی کمک ها در دو هفته گذشته رژیم نتوانسته است علیرغم نظامی کردن منطقه، جلو همه را سد کند و در نتیجه مردم راه خود را به جلو باز کردند و کمک های شایانی به قربانیان زلزله کردند. راه مقابله با مانع تراشی های رژیم گسترده تر کردن این فعالیت ها و تحکیم رابطه با مردم منطقه است. مشکلات انبوه مردم زلزله زده تازه شروع شده است. نباید با گذشت زمان و در حالیکه معضلات اساسی مانند نداشتن مسکن و عدم تامین زندگی روزمره آنها همچنان به قوت خود باقی است، بتدریج کمک ها و تلاشها پایان یابد.

و بالاخره نکته مهم این است که رژیم نمیخواهد برای مردم کار موثری انجام دهد. دهها هزار نفر بیکار شده اند و در حالیکه خانه و کاشانه شان و دار و ندارشان را از دست داده اند، چیزی برای ادامه حیات ندارند. حداقل بیست هزار خانه ویران شده و زمستان زودرس در راه است. جمهوری اسلامی حتی در برداشتن آوارها هم به مردم کمک قابل توجهی نکرده است. حکومتی که یک قلم از آخرین دزدی های مقاماتش سه میلیارد دلار بوده است حاضر نیست یک دهم یکی از اقلام دزدی را صرف رفع مشکلات مردم کند. مردم مانده اند با غم و اندوهی عمیق، با دستان خالی و با کابوس بی مسکنی و زمستان، بی غذائی، بی تامینی، شیوع امراض و هجوم گرگها. کمک های انساندوستانه مردم با توجه به محدودیت هائی که رژیم در کمک رسانی آنها بوجود آورده و بدلیل فقر اکثریت عظیم مردم، قادر به حل معضل مسکن، تامین زندگی مردم برای مدتی طولانی و مقابله با سرمای سخت زمستان در این منطقه نخواهد بود. کمک های مردمی در بهترین حالت تامین خوراک و پوشاک و نیازمندی های روزمره مردم برای چند هفته خواهد بود. اینرا باید هرچه وسیعتر و تا هر زمان که مقدور باشد ادامه داد و حتی گسترش داد. اما به موازات آن باید دولت را برای حل معضلات مردم تحت فشار گذاشت. نفس کمک های مردم، خبررسانی ها و کلیپ هائی که از وضعیت مردم و در افشای بی وظیفه بودن حکومت، سانسور حرفهای مردم و نارضایتی رو به رشد مردم تهیه میشود، خود فشار بزرگ و هرروزه ای به رژیم است. اما این کافی نیست. باید هم مردم منطقه و هم مردم در سراسر کشور علیه این وضع به حرکت درآیند و این اقدامی حیاتی است. این هم از زاویه انسانی برای رفع مشکلات زلزله زدگان ضروری است و هم از نقطه نظر سیاسی حائز اهمیت است. یک دلیل جلوگیری از حضور فعالین اجتماعی در منطقه همین تاثیرگذاری برای متشکل کردن مردم و آشنا کردن آنها به حقوق مسلم شان است. یک نکته مهم این است که رژیم دستش در سرکوب زلزله زدگان و حتی جلوگیری از کمک های مردمی زیاد هم باز نیست. سرکوب زلزله زده ها و گروههای امداد در رده های پائین نیروهای سرکوب مساله ساز میشود و شکاف های درونی حکومت تشدید میشود.

با توجه به این نکات، باید استراتژی درازمدتی توسط فعالین و تشکل ها در دستور قرار گیرد. سازمانیافتن زلزله زدگان و تجمعات اعتراضی آنها مقابل ادارات دولتی و به اشکال مختلف دیگر یک رکن حیاتی این مبارزه است. هر اندازه هم مردم در سایر نقاط کشور کمک و یا اعتراض کنند، بدون دخالت مستقیم زلزه زدگان و مبارزه مستمر آنها، حکومت اقدامی جدی نخواهد کرد. جمهوری اسلامی عامل تلفات مردم و خانه های خشت و گلی بوده و باید تمام خانه ها را رایگان و در اسرع وقت و با کیفیتی مناسب بازسازی کند. زندگی خانواده هائی که نان آور خود و یا کارشان را از دست داده اند باید توسط حکومت تامین شود. سایر خسارات مردم باید محاسبه و به مردم مسترد شود. خدمات عمرانی، درمانی و آموزشی باید توسط حکومت برای تمام مناطق زلزله زدگان بلافاصله تامین شود. اینها بخشی از خواست هائی است که باید به مطالبه مردم این منطقه تبدیل شود. رکن دیگر مبارزه، تلاش مردم در سراسر کشور است: ادامه جمع آوری کمک، تداوم فعالیت جوانان و دانشجویان، هنرمندان، ورزشکاران و نویسندگان، پزشکان، تشکل های کارگری و نهادهای رادیکال و آزادیخواه، اطلاع رسانی دائم از وضع زلزله زدگان از طریق گزارش و مصاحبه با مردم منطقه، افشاگری دائم از رفتار حکومت، تلاش برای آزادی دستگیر شدگان و غیره از جمله اقداماتی است که باید ابعاد وسیعتری بخود بگیرد. خواست های مردم درمورد مسکن و تامین زندگی روزمره و غیره باید به پرچم مبارزه در سراسر کشور تبدیل گردد. باید این مطالبات را بعنوان حقوق مسلم مردم وسیعا رواج داد. این حوادث دائما اتفاق می افتد و قربانیانش تماما مردم زحمتکشی هستند که سرپناه درستی ندارند. مسئول خسارات انسانی و مالی این حوادث رژیم و نظام نکبتی است که توسط رژیم سر پا مانده است و مسئول بازسازی زندگی مردم هم خود رژیم است.

پتانسیل بسیار بالائی برای همبستگی با یکدیگر و شبکه های مبارزاتی بویژه بدنبال انقلاب ٨٨ شکل گرفته است که صرفنظر از جنبه انساندوستانه عمیق آن، بسیار سیاسی و در آینده کشور سرنوشت ساز است. رژیم کاملا واقف بود که اینبار جامعه بیش از هر زمان احساس مسئولیت نشان میدهد و به همین دلیل همه تلاشش را برای جلوگیری از کمک های مردم بکار انداخت. این پتانسیل را باید به شبکه های مبارزاتی هرچه بزرگتر با روابط پایدار و مستحکم تبدیل کرد. این بخشی از مکانیزم اجتماعی مبارزه مردم است که بر پایه انساندوستی و درک ضرورت های سیاسی جامعه شکل گرفته است و یک سرمایه مهم سیاسی و سازمانی است که باید قدرش را دانست و برای ارتقا و گسترش آن هرچه بیشتر تلاش کرد. دست تک تک انسان های شریفی که از آذربایجان و سایر نقاط کشور برای کمک به همنوعان خود به حرکت درآمدند را باید صمیمانه فشرد و برای آزادی فوری کلیه دستگیر شدگان و دوش به دوش خانواده های آنها دست به اعتراض زد.

شکست سیاسی رژیم را باید با تداوم مبارزه برای کمک رسانی و دفاع از خواست های بحق زلزله زدگان سنگین تر کرد. این مسیر مبارزه برای سرنگونی حکومت منحوس اسلامی را بازتر میکند.